

سرتاسر دشت خاوران سنگی نیست

کز خون دل و دیده بر آن رنگی نیست

شمار زندانیان سیاسی کشته شده باور نکردنی است

* در میان مردم و خانواده زندانیان از ۵۰۰۰ کشته صحبت می شود

این فاجعه ملی، در میان مردم و خانواده زندانیان سیاسی از ۵۰۰۰ کشته صحبت میشود.

کشتار در همه جا

همه جا هزاداری است. در هر شهر و هر کوچه ای سوگواری برپاست. در خانه های خانواده های زندانیان سیاسی غلغله است. بقیه در صفحه ۲

که هنوز حیرت بر دیگر احساسات چیره است. شمار زندانیانی که به قتل رسیده اند، هنوز به دقت روشن نیست. اما همه خبرها و گزارش ها حاکی است که این شمار بسیار فراتر از برآوردهای پیشین است. تا اواخر هفته گذشته رقم کشته شدگان در حدود ۱۵۰۰ تن ارزیابی می شد. اما اینک بدنبال آشکار تر شدن نشانه های

فاجعه ملی تراژدی به تمامی تکوین یافته و کشتار زندانیان سیاسی به چنان حدی رسیده است که اینک دیگر به جز فاجعه ملی نام دیگری نمی توان بر آن نهاد. اکنون در بعضی از زندانها تنها عده انگشت شماری باقی مانده اند. فاجعه ای که رخ داده است، چنان ابعادی باور نکردنی دارد

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

علیه فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی بیاخیزیم!

در صفحه ۳

اطلاعیه مطبوعاتی نمایندگی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اروپا
کشتار همگانی
زندانیان سیاسی ایران
یک فاجعه عظیم بشری است

در صفحه ۴

به ضمیمه:

فهرست اسامی گروهی از قربانیان
کشتار جمعی زندانیان سیاسی

وظیفه چیست؟

در صفحه ۶

در این مقاله می خوانید:

دوستان! همزمان و هم میهمان زمان را دریابیم. دو هفته پیش یک زندانی سیاسی در تماس با خانواده خود چنین گفته است: "برای ما هر چه از دستستان برمی آید، انجام دهید." هر روز ده ها و صدها تن از بهترین فرزندان را اعدام می کنند. برای افشای این جنایات، برای جلب توجه جهانیان، برای پایان دادن به پیگرد و شکنجه و اعدام در ایران، هر چه از دستمان می آید انجام دهیم.

چنین کشتاری در جهان کم نظیر است

بی قانونی است.

نظیر قتل عام جاری در زندان های سیاسی ایران، تاکید خاصی داشت. باید به همگان گفت: دریابید ایران را! باید گفت: ای جهانیان! در چهلمین سالگرد تصویب اعلامیه حقوق بشر خمینی چنان جنایتی علیه بشریت رواج داشت که آن را نمی توان با هیچ واژه ای توصیف کرد.

دریابید ایران را! در اینجا حمام خون به راه انداخته اند، در اینجا بشریت را سر می برند.

کشتار زندانیان سیاسی در این ابعاد در جهان کم نظیر است. به جنایات نازی ها می ماند که در ماه های آخر حیات ننگین خویش در زندانها و اردوگاه ها، آدم کشی را از حدی که خود برای آن قائل بودند، فراتر بردند. پینوشه جلاد نیز نتوانست مثل خمینی کشتار کند، رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی نیز. در تبلیغات بین المللی باید بر روی کم سابقه بودن کشتارهایی

دیگر حتی سخن بر سر محاکمات ناعادلانه نیست، سخن حتی بر سر آن نیست که کسی را بی محاکمه سال هادر زندان نگه داشته اند. کسانی را که خودشان به دو سال، ده سال یا بیست سال اسارت محکوم کرده بودند، در برابر جوخه اعدام نهادند. اگر دستگیری جبارانه، اگر محاکمه ناعادلانه نامش نقض حقوق بشر باشد، پس این جنایت را چه باید نام نهاد؟ این طغیان علیه بشریت است. مطلق نابخشودنی است؛ مطلق



نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

چهارشنبه ۹ آذر ۱۳۶۷ برابر ۳۰ نوامبر ۱۹۸۸
بها ۲۰ ریال - سال پنجم

من همیشه ام، برادر خوبم...

نه آنکه فکر کنی سرداست که من در تهاجم کولاک یکجا تمام همیشه های جهان را انبار کرده ام، در پشت خانه ام و در تفریک باغ آتشم به تنهایی من همیشه ام برادر خوبم بشکن مرا، برای اجاق سرداقت آتشم بزن من همیشه ام برادر خوبم (خسرو گل سرخی)

آری، ایثار همیشه اند. می سوزند تا بسوزانند. حرارتشان را در همه جا احساس می کنیم. در جان و تنمان. و در جای جای میهن در خون نشسته ایم. آتشی دامن گسترند. برمی آیند و برمی دهند. خورشید آزادی از دل این آتش سر برمی کشد. و این آتش، این همیشه هایی که می سوزند، همه بر رزم خلق اشارت دارند و مراس دشمن. بر این کشتار این گونه بنگر و تنها این گونه.

نه آنکه فکر کنی سرداست... اما چه اندوهی! چه سترگ اندوهی! هر خبری اشاره به کشتار جمع دیگری از فرزندان خلق دارد. او نیز؟ آری و نیز... دیگر که؟ ... هر آن کس که می شناسی... پس که ماند؟ کسی نمیداند؟ ... همچنان می کشند... همه جارنگ هز اندازد. بخزار این اندوه بر جانمان نشیند! بخزار قلبان را بفشرد و سرشک از دیده مان سرازیر سازد. ای تمامی موافق، ای تمامی امساعات، ای قلبهای پردرد، ای وجدانهای بیدار! او برادر من بود، خواهر من، همسر من، شوی من، فرزند من، مادر من، پدر من، یار من، رفیق من، بقیه در صفحه ۵

در صفحات دیگر می خوانید:

بر روی فرشی از خون
قرارداد می بندند

در صفحه ۶

بر سر آد سنگفرش راه
شهری از هلا. سایه

در صفحه ۵

سرتاسر دشت خاوران سنگی نیست

کز خون دل و دیده بر آن رنگی نیست

شمار زندانیان سیاسی کشته شده باور نکردنی است

بقیه از صفحه اول
تک تک آنها خبر داده اند که چه بر سر عزیزشان آورده اند. دژخیمان که تا همین چندی پیش از دادن هر اطلاع معینی ابا می کردند، اکنون خود به بسیاری از خانواده ها خبر می دهند که بیایند و باقیمانده وسایل زندانی را تحویل بگیرند. برخی دیگر از خانواده ها پس از مراجعه به زندان، نام فرزند خود را در لیست بالابندی یافته اند که توسط دژخیمان با نام شهدای کشتار اخیر تنظیم شده است. به آنان که نام فرزندشان در این لیست یافته نشود، گفته می شود که برگردند و در تاریخ معین دیگری برای دریافت خبر و پس گرفتن وسایل بازگردند.

کشتار زندانیان سیاسی سرتاسری بوده است. هیچ شهری نیست که از این کشتار برکنار مانده باشد. در هر زندانی که در آن زندانی سیاسی وجود داشت، کشتار صورت گرفته است.

به اعدام شدگان هیچ حکم تازه ای ابلاغ نشده بود. دژخیمان با مراجعه به اتاق های زندان ها، به تناوب زندانیان را دسته دسته بیرون کشیدند، سوار کامیون کردند و به میدان تیر بردند. بسیاری از اعدام شدگان سال های درازی زندانی بودند. در میان آنان کسانی یافت می شوند که از سال ۱۳۵۸ به بند کشیده شده بودند. برخی نیز به تازگی دستگیر شده و حتی مرحله بازجویی را نیز به تمامی طی نکرده بودند. عده ای از اعدام شدگان کسانی بودند که پیش تر محاکمه شده و به حبس های مختلف المهدی محکوم شده بودند. از مدت محکومیت بسیاری از آنان مدت ها سپری شده بود و بسیار پیش تر می بایست آزاد میشدند.

اشکال مختلف کشتار زندانیان

کشتار زندانیان به اشکال مختلفی انجام شده است. بیشترین آنها به جوخه اعدام سپرده شدند. علاوه بر این در زندان اوین چندصد تن از زندانیان در سالن قتل هم شدند که پیش از کشته شدن بدانجا، بمب گذاری شده بود. پس از گرد آوردن زندانیان در این سالن، بمب ها را منفجر کرده و همگی را به قتل رساندند. گفته می شود یک گور

جمعی بزرگ که در گورستان خاوران با بتون پوشانده شده است، از آن این دسته از زندانیان است.

دسته ای دیگر از زندانیان را بر چوبه های داری که در ملا هم در شهرهای کشور برپا کردند، حلق آویز ساختند. اجساد این قربانیان تا چندی بر چوبه های دار آویزان ماند. اعدام ها در شهر آمل و چند شهر در جنوب کشور بدین صورت صورت گرفت.

هم چنین شنیده شد که در مواردی به جای اعدام در میدان تیر، زندانیان را در داخل بند زندان به رگبار بستند. ۱۸۵ تن از زندانیان زندان اصفهان به این ترتیب کشته شدند؛ پاسداران مسلسل بدست به داخل بند ریختند و به سوی زندانیانی که دیگر دست از جان شسته و اعتصاب غذا کرده بودند، آتش گشودند.

گسترده گی کشتار باور نکردنی است

کشتار زندانیان سیاسی چنان دامنه ای دارد که باور نکردنی است، بی سابقه است، حیرت انگیز است. ذکر نمونه هایی می تواند گویا باشد:

در زندان شهر ارومیه ۴۰۰ زندانی سیاسی را به قتل رساندند. در شهر کوچک گچساران ۸۰ زندانی سیاسی اعدام شده اند. در استان گیلان تنها از منطقه خمام ۱۱ نفر کشته شدند. در زندان کرمان بدنبال کشتار، جز نگرانی معذود، دیگر کسی باقی نمانده است. از همه شهرهای کشور خبرهایی با همین گستردگی می رسد.

رذالتی فراتر از حد و مرز

دژخیمان از تحویل اجساد کشته شدگان به خانواده هایشان سر باز می زنند. در بیشتر موارد از گور آنان نیز هیچ نشانی نمی دهند. اما در مواردی در برخی از شهرستان ها، اجساد شهدا را به خانواده هایشان تحویل داده اند. در این موارد هم تحویل اجساد پس از اخذ مبالغی پول از خانواده ها صورت گرفت. در یکی از این موارد که در شهر گچساران اتفاق افتاد دژخیمان درازا تحویل هر جسد علاوه بر ۷۰۰ هزار ریال وجه نقد یک جعبه شیرینی به نشانه شادمانی مطالبه کردند. در برابر

گورستانی در تبریز، از سوی خانواده ها تجمعی صورت گرفت که حاضرین با دادن شعارهای کوبنده علیه خمینی جلاد، این تجمع را به میتینگ علیه رژیم بدل کردند. حیرتی که با انتشار اخبار این جنایات باور نکردنی پدید آمده بود، اکنون هر چه بیشتر به انزجار و ژرف بدل می شود.

دستگیری های تازه

همزمان با کشتار زندانیان، گزافه های ساواک نیز به راه افتاده و دور تازه ای از دستگیری جمعی را آغاز کرده اند. بنا به یک خبر در وزارت اطلاعات اسامی زندانیان سیاسی در رژیم شاه و نیز کسانی که در رژیم جمهوری اسلامی سابقه دستگیری داشته اند و هم چنین تمام کسانی که اشتغال به هواداری از سازمان های اپوزیسیون داشته و یا مظنون به انجام فعالیت های علیه رژیم هستند، طبقه بندی شده و دستگیری سیستماتیک آنان شروع شده است.

از دستگیرهای تازه در سه هفته اخیر، خبرهای معینی از تهران و شهرهای استان های گیلان و آذربایجان رسیده است. علاوه بر این در تهران کنترل خیابانی افزایش کم سابقه ای یافته است و عده ای از رهگذران توسط اکیپ های گشت دستگیر شده اند.

کشتار ادامه دارد

خبرهایی که در لحظه تنظیم این گزارش بدست ما رسیده است حاکی است که کشتار بقیه زندانیان ادامه دارد. مطابق این اخبار تنی چند از کسانی که در هفته گذشته با اعضای خانواده شان ملاقات داشته اند، در این هفته تیرباران شدند و خبر مرگ آنان به بستگان شان داده شد. جان باقیمانده زندانیان سیاسی را مرگ تهدید می کند. هر روز که می گذرد، عده بیشتری کشته می شوند. برای نجات جان آنان هیچ لحظه و هیچ امکانی را نباید از دست داد.

کوچه ها، لبریز از تابو ته است
هر نفس، موی زانده می زنی
ناید از آن دو ستاق کین به گوش
غیر آهی جانگداز و شیونی

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

عليه فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی بپاخیزیم!

فقیه با فرو بردن پیکر سازمان های مقاومت می گیرد. دشمن با قربانی گرفتن از صفوف سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)، حزب توده ایران، سازمان فدائیان خلق ایران (پیروان بیانیه ۶۱ آذر)، سازمان کارگران انقلابی ایران (راه کارگر)، سازمان مجاهدین خلق ایران، و دیگر احزاب و سازمان های انقلابی و دموکراتیک کشور، حاکمیت جابرانه خود را تحکیم می بخشد. در برابر رژیم ولایت فقیه که با سرکوب ددمنشانه همه ما موجودیت ابلهسی خود را پاسداری می کند، برماست که درفش یگانه ای برافرازیم و رزم مشترک و یکپارچه ای بپاکنیم. رزم مشترک، مطالبه مردم ماست!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) بار دیگر همه سازمان های انقلابی و دموکراتیک کشور، همه شخصیت های آزادیخواه و صلح دوست میهن را به بسط همکاری و اتحاد عمل و تشکیل جبهه وسیع در راه دستیابی به آماج های مشترک فرا می خواند.

ما همه نیروهای انقلابی و دموکراتیک کشور را دعوت می کنیم تا علیه جنایات رژیم خمینی دست در دست یکدیگر به اعتراض برخیزیم و از جان زندانیان سیاسی کشور دفاع نمائیم.

مردم و نیروهای ترقیخواه جهان!

رژیم خمینی به تبهکاری ها و جنایت آفرینی های خود در میهن مصیبت دیده ما ابعاد فاجعه باری داده است. اکنون این رژیم با فراغت از جنگ ۸ ساله ایران و عراق که میهن ما را به ویرانی کشاند و از مردم ایران و عراق میلیون ها کشته و معلول قربانی گرفت، جنگی دیگر، یک جنگ خانگی را علیه مردم و نیروهای انقلابی و دموکراتیک ایران به راه انداخته است.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت) ضمن آنکه بار دیگر از پشتیبانی ثمربخشان از مبارزات صلح خواهانه مردم ما در پایان بخشیدن به فاجعه جنگ ایران و عراق صمیمانه قدرشناسی به عمل می آورد، از مردم و همه نیروهای ترقیخواه و بشردوست جهان، از احزاب انقلابی و دموکراتیک همه کشورها می طلبد که به منظور متوقف ساختن جنگ خونبار تازه ای که رژیم خمینی علیه مردم و نیروهای انقلابی و دموکراتیک ایران به راه انداخته است به اعتراض برخیزند.

مردم جهان! مجامع بین المللی ترقیخواه!

رژیم خمینی دشمن مردم ما، دشمن زندگی توام با صلح و امنیت، دشمن آزادی و ناقض ابتدایی ترین اصول منشور حقوق بشر است. اجازه ندهید که در زندان های جمهوری اسلامی کشتار نیروهای صلح دوست و آزادیخواه ایران ادامه یابد.

جنایات رژیم خمینی را محکوم سازید و علیه تبهکاری های آن به اعتراض برخیزید!

ما از شما در دفاع از جان زندانیان سیاسی ایران استمداد می طلبیم.

تنگ و نفرین بر تبهکاری های رژیم ولایت فقیه!

درو آتشین به زندانیان سیاسی!

افتخار جاودان به شهدای خلق!

سرتنگون باد رژیم جمهوری اسلامی!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثريت)

۸ آذر ماه ۶۷

جمهوری اسلامی با قتل عام زندانیان سیاسی ایران حمام خون بپا کرده است. طی روزهای اخیر شمار بزرگی از زندانیان سیاسی در زندان های تهران، اصفهان، کرمان، خرم آباد، گیلان، مازندران، همدان و اهواز... به جوخه های اعدام سپرده شده اند. برخی شواهد حاکی از شکار زندانیان سابق رژیم خمینی است. تبهکاری های رژیم خمینی دارای چنان ابعاد هولناکی است که قربانیان در گورهای جمعی به خاک سپرده می شوند. بر این جنایات جز فاجعه قتل عام زندانیان سیاسی ایران نام دیگری نمی توان نهاد.

این جنایات بیانگر دشمنی پایان ناپذیر رژیم ولایت فقیه با نیروهای انقلابی و دموکراتیک کشور، با صلح و آزادی، سعادت و بهروزی مردم و حقوق بشر است.

مردم آزاده ایران!

کشتار بهترین فرزندان شما در زندانهای رژیم خمینی، یک بار دیگر چهره ضد مردمی و ضد بشری این رژیم خونخوار را با تمام کراهت و خشونت حیوانی آن به نمایش گذاشته است. جرم کسانی که این چنین وحشیانه در قتل گاه های رژیم خونبار خمینی سلاخی می شوند، این است که در راه تحقق اهداف ترقیخواهانه انقلاب مردم ایران مبارزه کردند و همچنان از اهداف و آرمان مردمی شان به دفاع ایستادند.

آنها را به این دلیل به جوخه اعدام سپردند که مبارزان راه صلح و آزادی، استقلال و عدالت، بهروزی و سعادت مردم و میهن خود بوده اند. کشتار عام زندانیان سیاسی بیانگر دشمنی رژیم خمینی با اهداف ترقیخواهانه و خواستهای حق طلبانه شماست.

رژیم نیز می داند که آینده از آن مردم و رهروان صدیق راه و آرمان مردم است. از این رو با توسل به حربه سرکوب و ترور از یکسو، جنبش انقلابی مردم ایران را از فعالین و کادرهای باتجربه محروم می کند و از سوی دیگر با پراکندن موج رعب و وحشت می کوشد در راه گسترش دامنه مبارزات مردم مانع بیافریند و ثمربخشی مبارزاتشان را به تاخیر اندازد. رژیم خمینی حیات ددمنشانه خود را با مکیدن خون بهترین فرزندان شما تداوم می بخشد. علیه این جنایات به اعتراض برخیزید. تنها راه متوقف ساختن تبهکاری های رژیم، حضور رزمجویانه شما در صحنه های نبرد است. به دفاع از جان زندانیان سیاسی بپاخیزید و اجازه ندهید بهترین فرزندان شما در پشت دیوارهای بلند زندان های جمهوری اسلامی بدست خمینی جلاد و دژخیمان حلقه به گوش آن سربه نیست شوند.

نیروهای انقلابی و دموکراتیک ایران!

تبهکاری های اخیر نیز تأییدکننده آنند که رژیم جمهوری اسلامی دشمن مشترک همه نیروهای انقلابی و دموکراتیک میهن است و بر این واقعیت گواهی می دهند که مبارزه در راه سرتنگونی این رژیم تنها راه دستیابی به آزادی و تضمین صلح در کشور می باشد. ترور و سرکوب لجام گسیخته رژیم فقط از جمله با بهره گیری از ضعف و پراکندگی سازمان های انقلابی و دموکراتیک، سلطه سیاه و نکبتبار خود را گسترده است. در پس تبهکاری ها و جنایت آفرینی هایی که شاهدیم، ضرورت تحکیم صفوف سازمان های ما و اتحاد عمل رزمجویانه همه سازمان ها و شخصیت های انقلابی و دموکراتیک کشور، قطع نظر از تفاوت های مسلکی و اختلافات سیاسی شان - با وضوح تمام نمایان شده و ما را به پاسخگویی بلادرنگ فرا می خواند.

مردم ما با خشم و نفرت شاهد آنند که ساطور خونچکان رژیم ولایت

جاودان باد خاطره شهیدان به خون خفته خلق!

اطلاعیه مطبوعاتی نمایندگی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در اروپا

کشتار همگانی زندانیان سیاسی ایران، یک فاجعه عظیم بشری است

شهر ارومیه ۲۰۰ نفر تیرباران شده‌اند. این رقم تا ۴۰۰ نفر نیز ذکر شده است. در زندان اوین تهران بیشترین تعداد کشتار صورت گرفته است. در این زندان علاوه بر تیرباران هر روزه گروه گروه زندانیان سیاسی، در یک اقدام جنایتکارانه جمع کثیری از زندانیان سیاسی را در یک سالن مجتمع ساخته و بوسیله انفجار بمب و تخریب سالن آنها را به قتل رسانده‌اند.

مامورین جنایتکار حکومت تنها از آنجا که در قتل هم زندانیان سیاسی ایجاد رعب و وحشت در مردم را نیز در نظر دارند، همه جاد بر خورد با خانواده‌های زندانیان سیاسی هلتا و رسماً هدف خود دایر بر کشتار همگانی زندانیان سیاسی را ابراز می‌دارند.

موج دستگیری‌های جدید نیز افزایش یافته است و برخی از کسانی که قبلاً زندانی سیاسی بوده‌اند نیز مجدداً بازداشت شده‌اند. داس مرگ در خارج از زندان نیز بر فراز سر زندانیان رها شده از بند خمینی در حرکت است.

آنچه که در هفته‌های اخیر در زندان‌های کشور ما گذشته است و هم اکنون نیز در جریان است در تاریخ چنددهه اخیر جهان کم سابقه است.

چنین جنایت عظیمی را عکس‌العملی در خور لازم است. ما همه نیروهای دموکراتیک جهان، همه رسانه‌های گروهی بین‌المللی، همه شخصیت‌ها و سازمان‌های مدافع حقوق بشر را به مقابله با این طغیان رژیم خمینی علیه بشریت و حقوق بشر، و به تلاش برای نجات جان باقیمانده زندانیان سیاسی ایران فرا می‌خوانیم.

نماینده‌ی کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

در اروپا

۱۹۸۸/۱۱/۳۰

قتل هم زندانیان سیاسی ایران توسط رژیم جنایتکار خمینی که از چندی پیش آغاز شده بود، در دو هفته اخیر در تداوم خود چنان ابعادی یافته است که سخن از نابودی همگانی زندانیان سیاسی در ایران است. آخرین خبرهای دریافتی ابعادی باور نکردنی از کشتار زندانیان تصویر می‌کند. شمار زندانیان اعدام شده طی هفته‌های اخیر از زندان‌های مختلف کشور به چند هزار نفر می‌رسد. به علت اینکه هنوز رژیم خمینی از دادن خبر اعدام به بسیاری از خانواده‌های زندانیان سر باز می‌زند و نیز به علت تداوم کشتار، تدقیق شمار قربانیان این کشتار و اعلام اسامی همگی آنها مقدور نیست. لیست اسامی عده‌ای از قربانیان این کشتار که تا این لحظه بدست ما رسیده است ضمیمه است که تکمیل و تدقیق آن بخاطر گستردگی کشتار محتاج زمان بیشتری است. کشتاری این همه گسترده که مشابه آن تنها در اردوگاه‌های مرگ فاشیسم هیتلری دیده شده است، یک فاجعه عظیم بشری محسوب می‌شود. هر محله و هر کوچه در ایران هزاران یک یا چند زندانی در خون تپیده است.

کشتار جمعی زندانیان سیاسی در زندان‌های تهران، اصفهان، کرمان، خرم‌آباد، گیلان، مازندران، همدان، اهواز، گچساران، ارومیه، تبریز و زندان‌های چندین شهر و منطقه دیگر ایران صورت گرفته است. این اعدام‌ها به اشکال متفاوت صورت گرفته است. اکثر آنان تیرباران شده و در گورهای جمعی دفن شده‌اند. در دو گور جمعی گورستان خاوران ۳۰۰ زندانی سیاسی دفن شده‌اند. خبرها حاکی از شناخته شدن چند گورستان مخفی است. در شهر آمل تعدادی از زندانیان سیاسی را در مرکز شهر به دار آویخته‌اند. در زندان اصفهان ۸۰ نفر از زندانیان سیاسی که در حالت اعتصاب غذا بسر می‌برده‌اند، توسط مامورین سپاه پاسداران و کمیته‌های انقلاب اسلامی به رگبار بسته شده و کشته شده‌اند. در خبر دیگری رقم کشته شدگان زندان اصفهان ۱۵۰ نفر ذکر شده است. در

فهرست اسامی گروهی از قربانیان کشتار جمعی زندانیان سیاسی

- | | | |
|------------------------------|------------------------|---------------------------------|
| ۱- آتیک | ۲۸- محمدحاتمی | ۷۹- سیامک قلم‌بر |
| ۲- رحیم آیت‌الله زاده شیرازی | ۲۹- هدایت حاتمی | ۸۰- بهمن قنبری |
| ۳- مسعود داخگر | ۳۰- عباس حجری | ۸۱- سعید کاظمی |
| ۴- اشرف احمدی | ۳۱- مهدی حسینی پاک | ۸۲- هوشنگ کامرانی میهنی |
| ۵- سرهنگ ابوالقاسم افرازی | ۳۲- حمید حق‌منیع | ۸۳- دکتر گرگانی |
| ۶- ناصر الماسیان | ۳۳- شافی حسین پور | ۸۴- سعید متین |
| ۷- حسین اقدامی | ۳۴- رحیم حسین پور | ۸۵- مجتبی محسنی |
| ۸- پرویز الهی | ۳۵- علی نقی حیدریان | ۸۶- نرغس محمدزاده |
| ۹- ابوتراب باقرزاده | ۳۶- کریم حیدر نژاد | ۸۷- صابر محمدزاده |
| ۱۰- عبدالعظیم باقری | ۳۷- ظفر حیدری | ۸۸- مجتبی مطلع سربابی |
| ۱۱- بخت آبادی | ۳۸- ابوالحسن خطیب | ۸۹- حمید منتظری |
| ۱۲- دکتر فریبرز بقایی | ۳۹- علی اکبر خطیب | ۹۰- مهر داد مطلق |
| ۱۳- منوچهر بهزادی | ۴۰- خطیبی | ۹۱- فرج‌الله میزانی (جوانشیر) |
| ۱۴- سیامک بهزادی | ۴۱- فرزاد دادگر | ۹۲- زامرادیان |
| ۱۵- محمود ده‌کیش | ۴۲- دکتر احمد دانش | ۹۳- میر شکاری |
| ۱۶- حسین بیگدلی | ۴۳- اسدالله داریک بندی | ۹۴- میرزایی |
| ۱۷- ناخدا محسن بیگلری | ۴۴- محمد دریاباری | ۹۵- حسن نصاری |
| ۱۸- مهر داد پناهی شبستری | ۴۵- اسماعیل ذوالقدر | ۹۶- امیر هوشنگ ناظمی (نیک‌آئین) |
| ۱۹- اسماعیل پور محمدی | ۴۶- محمد رجالی | ۹۷- بیژن نعمان پور |
| ۲۰- اسدالله پنجه‌شاهی | ۴۷- حقیقیان رودسری | ۹۸- ناصر نوروزی |
| ۲۱- حمید تاج‌الدینی | ۴۸- جعفر ریاحی | ۹۹- جعفر هوشمند |
| ۲۲- علیرضا تشید | ۴۹- محمد ریاحی | ۱۰۰- محمود دهوشی |
| ۲۳- احمد ثقلینی | ۵۰- آصف رزم‌دیده | ۱۰۱- کاظم همدانیان |
| ۲۴- دکتر جاوید پور | ۵۱- تیمور راوندی | ۱۰۲- داریوش یوسفی |
| ۲۵- سیف‌الله جاویدفر | ۵۲- روشن زاده | ۱۰۳- ... |
| ۲۶- حسین جلالی | ۵۳- محمد زار جالی‌فر | |
| ۲۷- حسین جودت | | |
| | | ۵۴- سیدروغنی |
| | | ۵۵- عزت‌الله زارع |
| | | ۵۶- علی زمریان |
| | | ۵۷- حسین سیاه‌قلم |
| | | ۵۸- سروان شفیق پور |
| | | ۵۹- مجید شمس‌آباد |
| | | ۶۰- حسین شهیدی |
| | | ۶۱- رحیم شمس |
| | | ۶۲- اکبر صادقی بناب |
| | | ۶۳- غریب‌ز صالحی |
| | | ۶۴- عبدالعظیم صبوری |
| | | ۶۵- حسین صدراپی |
| | | ۶۶- علی صدراپی |
| | | ۶۷- حسن صداقت پور |
| | | ۶۸- حسین صراف پور |
| | | ۶۹- ناصر عطایی |
| | | ۷۰- سیف‌الله فیاض‌وند |
| | | ۷۱- مهر داد فرجاد آزاد |
| | | ۷۲- فتاحی‌فر |
| | | ۷۳- زافیا ضپور |
| | | ۷۴- حسین قاسم نژاد |
| | | ۷۵- حسین قلم‌بر |
| | | ۷۶- داود قریشی |
| | | ۷۷- زهره قائنی |
| | | ۷۸- ساسان قندی |

من هیمه‌ام، برادر خوبم...

بقیه از صفحه اول

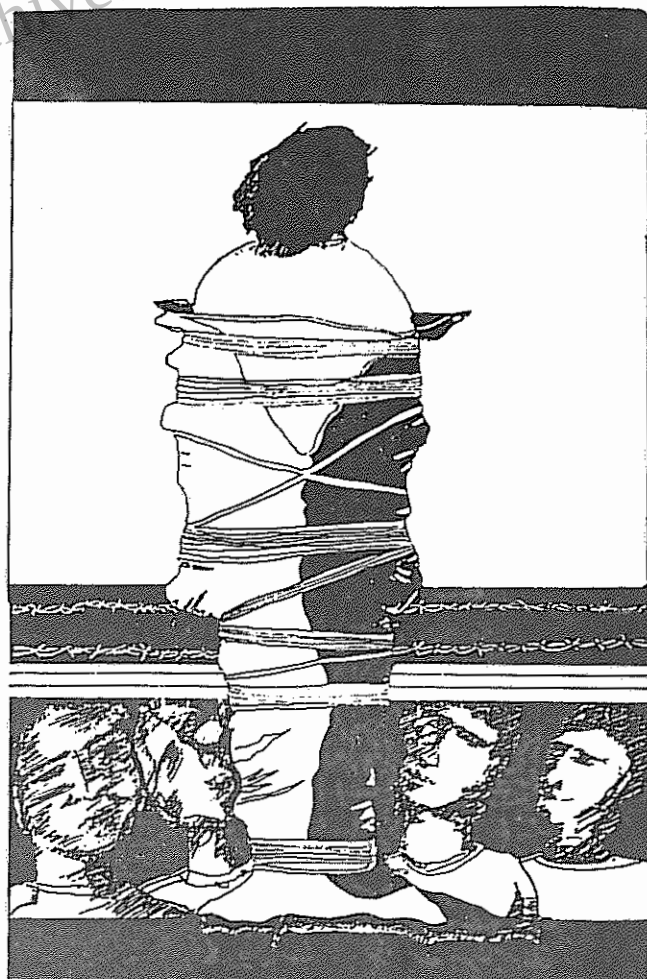
همرزمن. نه یکی. که
ده تن. و نه ده که صد. و
نه صد که هزار.
بگذار این درد استخوانمان را
بسوزاند! اگر در جهان چیزی
مقدس است این اندوه است و
کینه‌ای که از آن سر برمی‌کشد.
آری هر هیمه‌ای که می‌سوزد، یک
باغ آتش است. روشن کن تو نیز
اتاق را روشن کن! همه روشن
کنیم اجاق سرد اتاقمان را. اگر
فروزان است، فروزان ترش
کنیم. می‌بینی؟ می‌بینی؟ نه آنکه
فکر کنی سرد است. همه جا آتش
است. خاوران گر گرفته است.
اوین منفجر می‌شود. گوهر دشت
دشتی شعله‌ور است. برگیز از این
آتش! بر قلبت نه! آگاهی را
فروزان کن. و فریاد بزنی که به
جنگ آمده‌ام ای ظلمت مخوف! ای
همه تاریکی‌های اعصار و قرون!
به محاکمه‌ات می‌کشم! برای
فرزندانی که بی‌پدر

شد به محاکمه‌ات می‌کشم!
برای مادری که داغ برداشته‌اند.
به محاکمه‌ات می‌کشم!
به خاطر هر شلاق که بر پیکر رفیق
همرزمن نشست.
به محاکمه‌ات می‌کشم!
به خاطر گرسنگی‌ام، در بدنی‌ام،
و سستی که بر این توده رنج
رومی‌داری.
و حالا حرکت! در تعجبم
کولاک، تمام هیمه‌های جهان در
پشت خانه‌ما انبار است. در انتظار
چیستی؟ هیمه‌ها می‌سوزند،
گرمی‌گیرند و می‌سوزانند.
بیو ندیم بدین آتش. تابوت‌ها را
بر فراز دست‌ها بگیریم. بنگرید
جهانیان! این سهم ماست برای
آنکه در جهان آزادی دامن گستر
شود. این سهم ماست. اجرش
دارید افتخار ماست. هزت و شرف
ماست. شما نیز گرامی‌اش دارید.
از رزم مایشتیانی کنید. به دفاع از
جان زندانیان سیاسی ایران
یرغیزید. □

پرسواد سنگفرش راه

با تمام خشم خویش،
با تمام نفرت دیوانه‌وار خویش،
می‌کشم فریاد:
ای جلاد!
تنگت باد!
آه، هنگامی که يك انسان
می‌کشد انسان دیگر را
می‌کشد در خویشتن
انسان بودن راه
بشنو ای جلاد!
می‌رسد آخر
روز دیگرگون:
روز کیفر،
روز کین‌خواهی،
روز بار آوردن این شوره‌زار خون.
زیر این باران خونین
سبز خواهد گشت بذر کین.
وین کویر خشک
بارور خواهد شد از گل‌های نفرین.
آه، هنگامی که خون از خشم سرکش
در تنور قلبها می‌گیرد آتش،
برق سرنیزه چه ناچیز است!
و خروش خلق،
هنگامی که می‌پیچد
چون ملین رعد از آفاق تا آفاق
چه دلایز است!
بشنو، ای جلاد!
می‌خروشد خشم در شیپور،
می‌کوبد غضب بر طبل
هر طرف سر می‌کشد عصیان
و درون پستر خونین خشم خلق
زاده می‌شود طوفان.
بشنو، ای جلاد!
و مپوشان چهره با دستان خون‌آلود!
می‌شناسند به صد نقش و نشان مردم.
می‌درخشند زیر برق چکمه‌های تو
لکه‌های خون دامنگیر.
و به کوه و دشت پیچیدست
نام‌ننگین تو با هر «مرده‌باد» خلق کیفرخواه.
و به جا ماندست از خون شهیدان
پرسواد سنگفرش راه
نقش يك فریاد:
ای جلاد!
تنگت باد!

ه.ا. سایه



وظیفه چیست؟

دفاع از جان زندانیان سیاسی در ایران، افشای جنایات رژیم خمینی در زندان ها، بازتاب دادن مقاومت انقلابیون اسیر و رزم آنها در دشوارترین شرایط و جلب توجه جهانیان به آنچه که در زندان های سیاسی کشور بلا دیده ایران می گذرد پای ثابت مبارزات ما در خارج از کشور است. این مبارزه بی وقفه جریان داشته و در افشای تبعیض های رژیم خمینی تاکنون با دستاوردهای گرانقدری همراه بوده است. همچنان باید بر شتاب این مبارزه بیغرایبیم، و خاصه در این روزها، در این روزها که رژیم در زندان ها دست به قتل عام زده است.

وظیفه ما انشای هر چه قویتر و هر چه سریعتر این جنایت بزرگ است. وظیفه ما آن است که تلاش ورزیم جهانیان دریابند در ایران چه فاجعه عظیمی صورت گرفته است. وظیفه ما فراخواندن جهانیان به دفاع از جان زندانیان سیاسی است.

هر چه متحدتر باشیم، حرکاتمان قویتر، پدافندتر و پربازتابتر خواهد بود. مطلقاً پذیرفتنی نیست که اختلافات مانع اتحاد عمل سازمان های سیاسی برای افشای وسیع جنایات رژیم در زندان ها شود. ما به سهم خود به هر فراخوانی در دفاع از جان زندانیان سیاسی پاسخ مثبت می دهیم و با تمام وجود از هر حرکتی که در این زمینه صورت گیرد پشتیبانی می کنیم.

در شرایط کنونی که کشتار زندانیان در سطحی کیفی متفاوت از گذشته صورت می گیرد، نمی توان به اشکال متعارف انشاگری و اشکال رایج و عادی جلب توجه افکار عمومی جهانیان، بسنده کرد. اشکال متعارف - جمع آوری امضاء، برگزاری تظاهرات، اعتصاب غذا و نظایر اینها را باید بکار گرفت، اما باید در اندیشه ابتکاراتی پربازتابتر بود. در این زمینه ابتکار عمل بخود فعالین سپرده می شود که با تحلیل دقیق و بررسی امکانات مختلف، نیکوترین آنها را انتخاب کنند. برای هر حرکتی باید تدارک کافی دید و بویژه نسبت به تضمین داشتن بازتاب وسیع و مثبت آن در رسانه های گروهی مطمئن بود.

باید هر چه سریع تر دست به عمل زد. طرح های پیچیده ممکن است کارآ باشند، اما به دلیل طولانی بودن پروسه تدارک آنها امروزه بکار ما نیایند و برای نجات جان باقیمانده زندانیان موثر نشوند. ابتکارات مختلف، آلت رناتیو یکدیگر نیستند. نباید گفت یا آن یا این. اغلب میتوان همزمان چند حرکت را باهم پیش برد و آنها را مکمل یکدیگر کرد. باید حرکات مختلفی را سازمان داد، تا از جمله طیف هر چه وسیعتری از ایرانیان در خارج از کشور، در آنها شرکت جویند.

۱۵ دسامبر روز جهانی حقوق بشر است. برای این روز باید تدارک ویژه ای دید. باید اشکال موثر تماس با سازمان های بین المللی ذیربط را پیدا کرد و تلاش ورزید در روز ۱۵ دسامبر اذهان جهانیان بعد کافی متوجه پایمال شدن حقوق بشر در ایران شود. از خارج نیز می توان به سهم خود در مبارزه داخل خاصه در بعد انشاگری موثر بود. همه باید برای کسب خبر از داخل بسیج شویم تا بتوانیم مجموعه جنایات رژیم را هر چه مشخص تر بر ملا کنیم. باید با خانواده های زندانیان سیاسی در تماس بود و برای خانواده های داغدار پیام تسلیت و همبستگی فرستاد. در هر تماسی که با ایران می گیریم، باید به سهم خود بگوئیم اذهان همه آشنایان، دوستان و وابستگان را متوجه جنایات رژیم سازیم. باید اعلامیه هایی را که در رابطه با افشای قتل عام زندانیان سیاسی منتشر می شود، به شکل وسیع به ایران پست کنیم. در استفاده از این امکان قبل از آشنایان "سیاسی" باید ذهنمان متوجه طیف هر چه وسیعتری باشد.

دوستان! همزمان و هم میهنان زمان را دریابیم. دو هفته پیش یک زندانی سیاسی در تماس با خانواده خود چنین گفته است: "برای ما هر چه از دستتان می آید، انجام دهید." هر روز ده ها و صدها تن از بهترین فرزندان را اعدام می کنند. برای افشای این جنایات، برای جلب توجه جهانیان، برای پایان دادن به پیگرد و شکنجه و اعدام در ایران، هر چه از دستمان می آید انجام دهیم.

بر روی فرش از خون، قرارداد می بندند

خندانی نگیرد و به همکاری هم دستور دهد که بنویسند توافق های اقتصادی و فرهنگی، "علیرغم اختلاف نظر در مورد حقوق بشر" حاصل شد. به نظر می رسد حضرات به موضوع "حقوق بشر"، آنجا که پای جمهوری اسلامی به میان می آید، بیشتر به عنوان یک تم بحث آکادمیک علاقه مندند تا چیزی دیگر. در سال ۶۳ نیز نتیجه مذاکرات گنشر در تهران، اعلام تشکیل یک "سمپوزیوم" در مورد حقوق بشر بود. طرفین، توافق کردند که "درک های متفاوتی از حقوق بشر" دارند. تفاوت امروز با سال ۶۳ این است که همق تراژدی دردناکی که روی داده مدعیان دروغین "حقوق بشر" را دیگر به صورت دلک های بی مقدار. دربار خلافت خمینی در آورده است.

در پارلمان آلمان فدرال، نسبت به این همه بی اهتتایی به ابتدایی ترین موازین اخلاق انسانی، نسبت به این همدستی آشکار با قاتلانی که تنها با هیتلری ها قابل مقایسه اند، اعتراض به عمل آمد. نمایندگان سوسیال دمکراتها و سبزها، دو حزب ابوزیسیون حاضر در پارلمان، سفر گنشر و توافق های حاصله، آن هم در شرایطی اینچنینی را محکوم کردند.

این نخستین بار نیست که پوچی و دروغین بودن آزادیخواهی امپریالیست ها رخ می نماید. اما این نمونه، در نوع خود کم نظیر است: در حالیکه جوخه های اعدام شب و روز بکارند و از کشته پشته می سازند، "علیرغم اختلاف در مورد حقوق بشر" گام های بلندی در گسترش روابط اقتصادی و فرهنگی برداشته می شود. مردم ما این تجربه را از یاد نخواهند برد. چشمان گریان مادران و همسران داغدار، هرگز نمایش صحنه های مراوده دوستانه میان فریبی ها و جنایتکارترین حکام جهان را فراموش نخواهند کرد.

فاجعه بزرگ در زندان های ایران، با تحولات دیگری که بنوبه خود میمند، همزمان شد. خبرها از این قرار است:

جمهوری اسلامی و بریتانیا برای از سرگیری روابط توافق کردند. وزیر خارجه فرانسه بزودی به ایران خواهد رفت. هانس دیتریش گنشر وزیر خارجه آلمان فدرال در راس یک هیات بزرگ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به تهران سفر کرد و ضمن گفتگو با خامنه ای، رفسنجانی، موسوی و ولایتی، چند قرارداد اقتصادی و فرهنگی را امضا کرد.

رفسنجانی بار دیگر به مذاکره با آمریکایا اظهار تمایل کرد. همه چیز حاکی از این است که بزرگترین قدرتهای جهان سرمایه داری، با هماهنگی کامل سیاست بسط هر چه بیشتر روابط با حکومت آخوندها را به اجرا گذاشته اند. تقدیر چنین خواست که در یک نقطه عطف مهم این روند نزدیکی، کشتار زندانیان سیاسی ایران به نحوی بی سابقه پرده تروریز آزادیخواهی دروغین قرب را کنار زنند.

می گویند گنشر برای سفر به ایران، این پیش شرط را گذاشته بود که جمهوری اسلامی در مورد گروگان های قربی در لبنان، آماده مذاکره باشد. آقای گنشر موفق شد. دل آخوندها به رحم آمد. لابد می خواهند به شرکای تازه از راه رسیده، هدیه کریسمس بدهند. صحنه های شادی از آزادی گروگان ها بر صحنه تلویزیون، با بیانیه هایی که در پایتخت های غربی منتشر خواهد شد، تکمیل میشود: "ما ضمن ابراز خوشحالی از آزادی گروگان ها، از دولت ایران که به دلایل انساندوستانه به این امر کمک کرد، تشکر می کنیم."

آری، خمینی، رفسنجانی و سایرین، آنجا که لازم باشد، دل رحم و رنوفند. مگر می شود روی دوستان آلمانی را زمین انداخت؟

در مقابل، آقای گنشر و همراهان، از خواهش دوستان ایرانی خود در مورد شرکت آلمان فدرال در "بازسازی"، باروی باز استقبال کردند. البته لازم آمد که وزیر خارجه دولت بن، در جلوی دوربین ها در تهران، ژست بسیار

AKSARIYAT
EXTRA
WED, 1 DEC, 88

حساب بانکی:
AUSTRIA - WIEN
BAWAG
BANK FÜR ARBEIT UND WIRTSCHAFT
NR. 02910701, 650
DR. GERTRAUD ARTNER